

همشهری

صفحه آخر
ای فریغ ماهِ حسن، از روی رخشان شما
آبروی خوبی از چاه ز نخدان شما
حافظ

سازمان آگهی‌ها و نیازمندی‌ها:
میدان قائم مقام فرااهی، میدان شمع، خیابان شهید خدروی
شماره ۹۶ - طبقه اول - تلفن: ۸۸۸۶۱۸۱۹-۸۴۳۲۷۰۰۰

توزیع و اشتراک:
موسسه نشر گستر امروزین
تلفن: ۶۱۹۳۳۰۰۰

همشهری: www.hamshahrionline.ir
سایت روزنامه: newspaper.hamshahrionline.ir

چاپ: مهری
تلفن: ۴۸۰۷۵۰۰۰

دفتر مرکزی: تهران، خیابان ولیعصر (ج)، کوچه نورچشمه، شماره ۱۴
کدپستی: ۴۵۵۶۶-۱۹۶۶۶ تهران، صندوق پستی ۱۹۳۹۵۵۴۴
تلفن: ۳۳۰۳۳۰۰۰، شماره: ۲۲۰۴۶۰۶۷

■ حضرت امیر المؤمنین علی:

کسی که از دگرگونی‌های دنیا و حوادث آن عبرت نگیرد، اندر زاهد را و کارگر نیتند.

■ اذان ظهر: ۱۳:۰۱ ■ غروب آفتاب: ۱۹:۵۶
■ اذان مغرب: ۲۰:۱۵ ■ نیمه شب شرعی: ۰۰:۱۳
■ اذان صبح: ۴:۳۰ ■ طلوع آفتاب: ۶:۰۶

■ صاحب امتیاز: مؤسسه همشهری
■ مدیر مسئول: عبدالله گنجی
■ سرپرست: دانیال معمار

تعطیلات بی‌برنامه

سیدمحمد رضا واحدی
کارشناس فرهنگی



امسال ۳۰ روزه شدن ماه مبارک رمضان باعث ایجاد یک ناهماهنگی در تعطیلات پیش‌بینی شده در تقویم‌های رسمی کشور شد. البته ثبوت اول ماه قمری، قاعده شرعی خودش را دارد و طبیعی است که گاهی با پیش‌بینی تقویم‌ها متفاوت شود و تا زمانی هم ندارد. امسال هم چنین شد و با وجود اینکه تقویم‌های رسمی، دوشنبه را عید فطر و تعطیل، اعلام کرده بودند اما با روی نشدن هلال ماه شوال در روز یکشنبه، عملاً ماه مبارک ۳۰ روزه شد و عید فطر به روز سه‌شنبه افتاد. تا اینجای کار هیچ مشکلی نیست و کسی را اذیت نمی‌کند، اما آنچه نیاز به بازنگری دارد تنظیم تعطیلات است که باید برای آن فکری بشود. امسال شاهد بودیم که مردم با توجه به تعطیلی اعلام شده در تقویم‌های رسمی، برنامه‌ریزی کرده بودند و با خیال راحت به برنامه خود مشغول شده بودند که ناگهان اعلام شد دوشنبه تعطیل نیست. یعنی با توجه به قانون مصوب مجلس که روز عید فطر و فردای آن را تعطیل می‌داند، تعطیلی روز دوشنبه لغو و روزهای سه‌شنبه (عید فطر) و چهارشنبه تعطیل اعلام شد. بدون تردید عده‌ای در راه مسافرت بودند و چه بسا بعضاً به مقصد هم رسیده بودند که متوجه ماجرا شدند و به سردرگمی افتادند. دوستی از شهرستان با رئیس اداره‌اش تماس گرفته بود که من با توجه به تعطیلات رسمی تقویم، به شهر خودمان آمده‌ام و اینجا شنیدم که تعطیلی دوشنبه منقضی شده است و آنگاه خواهش کرده بود که برایش مرخصی رد کنند، اما ریاست محترم مربوطه زیر بار نرفته و از او خواسته بود که همین شبانه برگردد و با توجه به باز بودن اداره در روز دوشنبه، سر کارش حاضر شود. از کم‌لطفی این جناب رئیس و نمونه‌های وی که در ادارات ما کم و بیش هستند، بگذریم و دعا کنیم که با مردم و کارمندانشان مهربان‌تر از این باشند.

به هر حال از آنجا که این تغییر تعطیلات به خاطر رعایت قانون صورت گرفته است جای اعتراض ندارد، اما می‌توان پیشنهاد کرد که برای جلوگیری از سردرگمی مردم در این قانون تجدید نظر شود. شاید بهتر این باشد که قانون به شکلی اصلاح شود که تعطیلات عید فطر، ۲۰ روز باشد اما نه اینکه لزوماً یا روز عید فطر شروع شود. یعنی تعطیلی اعلام شده در تقویم به قوت خودش باقی بماند، حالا چه عید فطر باشد و چه آخر رمضان. این طور می‌تواند هم تکلیف مردم روشن می‌شود و می‌تواند بر اساس برنامه‌های تنظیمی رفتار کنند و هم تکلیف ادارات و شرکات. ضمن آنکه بین رئیس‌ان و مدیران ادارات و مروتوسان آنها هم جنگ اعصاب و کدورت و دلخوری پیش نمی‌آید و عید فطر عزیز به کام کسی تلخ نمی‌شود.

کوچ بنفشه‌های کدکنی به توکیو



کاش آدمی وطنش را / مثل بنفشه‌ها / در جعبه‌های خاک / یک روز می‌توانست / همراه خوشبختن ببرد / هر کجا که خواست / در روشنای باران / در آفتاب پاک

هزاران کیلومتر آن‌سوتر در سرزمین آفتاب؛ همانجا که نخستین شعاع خورشید صبحگاهی می‌دمد، (زاین) معماری که می‌توان او را شاعر مصالح ساختمانی دانست، درست مثل شاعر و استاد عزیز ما می‌اندیشید. او این تفکر و آرزوی همراه داشتن وطن و مامن و خانه را به نوعی آجر به آجر، بند به بند و ستون به ستون، تجسم بخشید. چندین و چند سال پیش از سروده شدن شعر «کوچ بنفشه‌ها» در سال ۱۹۹۲ میلادی، کیشو کورو کاوا، معمار و هنرمند ژاپنی سازنده‌ی مسکونی را بنا کرد با نام «برج کپسولی Nakagin Tower» این برج شامل مکعب‌های مسکونی کوچکی بود که فقط ۱۰ مترمربع مساحت داشتند؛ نمادی بودند از تنهایی و دنیای کوچک ما آدم‌ها. اما این موطن و مامن کوچک از آن‌رو هماهنگ با هارمونی و تفکر جاری در شعر استاد کدکنی ساخته شده بود که صاحبش می‌توانست مکعب‌های کوچک این ساختمان را جدا کند و با خود ببرد (هر کجا که خواست). درست مانند آرزوی شاعر که چنین سرود: ای کاش آدمی وطنش را / مثل بنفشه‌ها / در جعبه‌های خاک / یک روز می‌توانست / همراه خویشتن / ببرد / هر کجا که خواست.

منگاه
روزنامه نگار
مهدي گل محمدی

در فلسفه هنر زیرساخت اصلی هر بنای هنری (در هر هفت رکن آن از موسیقی و هنرهای ترسیمی گرفته تا ادبیات و سینما) را بر خسی عنصر «هارمونی» می‌دانند. هارمونی یسار ارتباط معنادر میان اجزای تشکیل دهنده اثر هنری بیشتر در موسیقی مورد توجه و تعریف قرار گرفت اما اندک‌اندک ردپای آن با عنوان تناسب در باقی ارکان هنر هم کشف شد. هارمونی گاهی به قدری پررنگ است که اشتراک آن میان آثار هنری متفاوت یکی در شعر و یکی در هنرهای تجسمی به خوبی احساس می‌شود. نمونه قابل لمس این هارمونی و ارتباط معنادر را در آثار هنری یکی شعر «کوچ بنفشه‌ها» استاد محمد رضا شفیعی کدکنی و دیگری در اثر معماری متعلق به کیشو کورو کاوا، معمار معروف ژاپنی می‌توان دید. این دو هنرمند شاید هرگز یکدیگر را نشناسند و شاید نام یکدیگر را هم نشنیده باشند؛ اما عنصر هارمونی شاید جاری بودن عدی طلایی در این دو ذهن زیبا باعث خلق آثار بویژگی‌های مشترک شده است؛ شعر استاد همچنان باقی‌ست اما همین چند روز پیش خبر رسید که سازه معماری هنرمند ژاپنی پس از چند دهه قرار است تخریب شود و به همین مناسبت و در گرامیداشت آن ابتدا به عناصر و مفاهیم بخش‌هایی از شعر «کوچ بنفشه‌ها» استاد کدکنی توجه کنیم.

در روزهای آخر اسفند / کوچ بنفشه‌های مهاجر زیباست / در نیم‌روز روشن اسفند / وقتی بنفشه‌ها را / با خاک و ریشه میهن سیارشان / در جعبه‌های کوچک چوبی / در گوشه خیابان می‌آورند / جوی هزار زمزمه در من می‌جوشد / ای کاش / ای

اول آخر

با پای دل می‌آیند... مشهد، حرم مطهر امام رضا (ع) / عکس: مسعود میر



شهریه رمزارزی دانشگاه



ماساچوست: دانشگاه بنتلی واقع در ماساچوست آمریکا به تازگی اعلام کرده است که پرداخت شهریه دانشگاه با رمزارز نیز ممکن است. طبق بیانیه رسمی این دانشگاه قرار است در همکاری با صرافی کوین‌بیس پرداخت شهریه با رمزارزهای بیت‌کوین، اتریوم و USDC امکان پذیر شود. به گزارش یورونیوز، بدین ترتیب بنتلی نخستین دانشگاه در ایالات متحده آمریکا خواهد بود که استفاده از ارزهای دیجیتال را برای پرداخت شهریه قبول می‌کند. همچنین دانشگاه بنتلی اعلام کرده که علاوه بر پذیرش رمزارز به‌عنوان شهریه، این دانشگاه همچنان پذیرای کمک‌ها و مبالغه‌هایی در قالب این ۳ رمزارز نیز خواهد بود. دانشگاه بنتلی با مقوله رمزارز و بلاک‌چین غربیه نیست و سال گذشته پس از ضرب یک اف‌ان‌تی در بزرگداشت یکی از مریدان سابق تیم بسکتبال زنان این دانشگاه، به نخستین دانشگاهی در جهان بدل شد که یک اف‌ان‌تی ایجاد کرده است. همچنین در پاییز گذشته یکی از دانشجویان بنتلی به‌نام الکس کیم، یک گره بلاک‌چین را راه‌اندازی کرد.

کشف مک‌دونالد ۶۰ساله



شیکاگو: زوجی در آمریکا هنگام بازسازی حمام و دستشویی منزل‌شان، یک بسته سیب‌زمینی مک‌دونالد را که پشت دیوار مخفی شده بود پیدا کردند و حالا مک‌دونالد به دنبال خرید آن است. به گزارش بی‌بی‌سی، صاحب‌خانه که راب نام دارد، نخستین‌بار تصویری از کشف نه چندان تاریخی خود را در یکی از شبکه‌های اجتماعی به اشتراک گذاشت و طی فقط چند روز، این خبر در رسانه‌ها بازتاب پیدا کرد. او وقتی به ترد بودن این سیب‌زمینی‌ها پس از ۶۰ سال پشت دیوار ماندن اشاره کرد، گوش بخش تبلیغات مک‌دونالد تیز شد. همین موضوع باعث شد که آنها با راب تماس بگیرند و خواهان خرید این سیب‌زمینی نه چندان دلچسب شوند. راب می‌گوید: فعلاً می‌خواهم منتظر پیشنهاد بالاتری باشم.

مردی که از درد سخن می‌گفت



کودک، هم‌سن و سال خودش بود، یک پسر بچه ۳ ساله، اما کنش از پارگی لباس کنه‌اش پیدا بود، رفت نزدیک و لباسش را آورد روبرو و به او پوشاند، وقتی رسید به کوچه خودشان و صدای خنده بچه‌های محله را شنید که با دست نشانش می‌دهند و می‌خندند، تازه فهمید خودش لباس تنش نیست. استاد محمد رضا رحمانی که اغلب او را با نام هنری‌اش، مهرداد که نسبت به اتفاق‌های زمانه‌اش بی‌تفاوت باشد، بعد از

تقویم / زادروز

کودتای ۲۸ مرداد ۳۲، به‌خاطر شعری که سرود و به مذاق رژی پهلوی خوش نیامد، راهی زندان شد. بعد از آزادی همانطور که دوست داشت شعر می‌گفت: «خانه‌ها و پیران بی‌آبادی کاخی چرامست / تا سزد خود کامه‌ای را دستگاه خودسری». نخستین مجموعه شعرش با نام «کاروان رفته» را همان سال منتشر کرد. شاید قدیمی‌ترها هنوز سخنرانی‌های او را که بعد از انقلاب در برنامه «مرزهای دانش» رادیو پخش می‌شد، به یاد داشته باشند؛ بحث‌هایی درباره ادبیات جهان، مهرداد اوستا نیم ساعت مانده به شروع کلاس تاریخ موسیقی، در شورای شعر و وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی مشغول تصحیح شعری بود که بر اثر سکنه قلبی در گذشت. از او ۴۰ تصدیقی و تالیفی هنری و ادبی منتشر شده است.

میراث من



زیر طاق استاد

بزرگ‌ترین دست‌بندی زندگی بشر، دوره حضور او بر این کره خاکی را به ۳ قسمت پیش از تاریخ و پس از آن مورد مطالعه قرار می‌دهد. اگرچه این دست‌بندی بسیار گنگ و مبهم است، اما وجه قابل توجه آن، اهمیت نوشتار است. گویی انسان پیش از نگارش در حالت نازلی از حیات قرار داشته است. ارتباطات انسانی پیش از این دوره مطلقاً کلامی بود و عدم ثبت آوا و کلمه هر گونه فرهنگ و دست‌اوردی را در معرض تغییر یا زوال قرار می‌داده است. ادبیات به‌عنوان بارزترین وجه هویت انسانی تنها با ثبت و نگارش محفوظ می‌ماند. اینکه مبدا نگارش مرکز فلات ایران است یا میان‌رودان تنها مناقشه‌ای در حوزه باستان‌پژوهی است اما یقیناً مکتوبات باستانی در محدوده تمدنی ما سر‌آغازی در ارق فرهنگ جهان قلمداد می‌شود. هفدهم اردیبهشت‌ماه روز ملی میراث مکتوب و اسناد ملی است؛ روزی که یادآور می‌شود گستره میراث مکتوب ایران‌زمین، کرانه‌ای ناپیدا دارد. گوی‌های شمارشی دوران نوسنگی، نشانه‌های الفباگون جیرفت، کتیبه‌های نقش شده با خط میخی و هر آنچه پس از آن بر هر لوح سخت و سنگی یا نرم و کاغذی به نگارش در آمد، از شاهکارهای درخشان ادب پارسی تا حواله‌جات مطبو و درمائی، خواه نسخه‌ای بگانه و مجرد، خواه نگاره‌ای آراسته به زیور طبع، همه ستونی مستند زیر طاق عمارت میراث فرهنگی سرزمین آفتاب و ماه است. اسناد جمع شده است و سند آینده جهان‌نما. یقین در بی‌سند حاصل می‌شود و اسناد ملی ضامن بقا و در گرو اندیشه پایدار. انگاشتن به قدر الی مقدم است بر نگاشتن تمام نگاه و تفکر و برداشت ماست.



قصه شهر



همیاران سلامتی



اولیه مواجهه با مصلوب و بیمار فوق‌العاده با اهمیت است و زهان از دست رفته جبران‌ناپذیر خواهد بود و اینجاست که یک اورژانس‌یار، در صورت دیر رسیدن تیم پزشکی اورژانس، می‌تواند جان بیمار را به موقع نجات دهد. این را هم بگوییم که طرح اورژانس‌یار با اینکه یک طرح داوطلبانه است، اما بدون مزایا نیست و حتماً مزایایی برای افرادی که با اورژانس همکاری می‌کنند در نظر گرفته می‌شود، چرا که فعالیت این افراد با امدادگران داوطلب سایر سازمان‌ها که حقوق و مزایایی دریافت نمی‌کنند، کاملاً متفاوت است. این طرح البته در سال‌های اخیر در برخی از شهرهای کشور به اجرا در آمده و موفق هم بوده است. حالا باید دید اجرای این طرح در تهران تا چه اندازه می‌تواند کمک‌کننده باشد و از تعداد مرگ‌ومیرها، به‌خاطر دیر رسیدن اورژانس، بکاهد.

می‌گویند زمان

استاندار رسیدن اورژانس بر بالین بیماران در کلانشهرها ۱۲ دقیقه است. با این حال خیلی پیش آمده که به دلایل گوناگونی مثل ترافیک یا دسترسی محلی نامناسب به‌ویژه در شهر تهران، اورژانس دیرتر از زمان معمول از راه برسد و زمان طلایی نجات بیمار از دست برود. به همین دلیل هم مسئولان اورژانس در صدد هستند تا طرحی را با عنوان «اورژانس‌یار» به اجرا در بیاورد که کمی از این مشکلات کاسته شود. انطور که رئیس مرکز اورژانس تهران توضیح داده، این طرح در واقع همکاری این مرکز با افرادی است که مدرک پزشکی و پرستاری یا تحصیلات مرتبط با فوریت‌های پزشکی دارند. در واقع اورژانس در نظر دارد در هر کوچه یا محله‌ای چند اورژانس‌یار داشته باشد تا در زمان ضروری به اورژانس کمک کنند. البته اینکه این همکاری قرار است به چه شکل تعریف شود، هنوز معلوم نیست و این مسئول گفته که در این‌باره در حال برنامه‌ریزی هستند، اما آنچه مشخص است اینکه افراد بعد از آموزش‌های لازم، قرار است در مواقع بحرانی در ارائه خدمات اولیه به بیماران کمک کرده و نجات‌دهنده باشند. همانطور که می‌دانید لحظات

بوک‌مارک



شکوفه‌های عناب

نمی‌دانم چه ساعتی به خواب می‌روم. وقتی بیدار می‌شوم ماه غروب کرده و ستاره‌ها دیگر پیدا نیستند. بلند می‌شوم، آهسته از پله‌های چوبی پایین می‌روم و کوره‌راه پشت قهوه‌خانه را در پیش می‌گیرم. خنکای سحر... چه حالت غریبی دارد این لحظه از یگانه، پیش از دمیدن خورشید. همه‌جا آرام است و گویی جهان چشم فرو بسته. جیرجیرک‌ها خاموش شده‌اند، صدای مرغ قران نمی‌شوم، بالای سرم دیگر از آن چراغانی عظیم خبری نیست. جهان رنگ دیگری گرفته. نسیمی از جنگل‌های دوردست می‌وزد. من زنده‌ام و یک روز دیگر را خواهم دید. حس می‌کنم لحظه‌به‌لحظه این روز را باید زندگی کنم و در عین حال از مرگ هراسی ندارم. هم‌اکنون حاضر به مُردن هستم. بی‌هیچ تأسفی. پس دیگر از هیچ‌کس هراس ندارم.

دیالوگ

حوض نقاشی

به مریم گفتم نیا توو تا مثل دوتا مرد، مردونه حرف بزیم، مامان، بابا خیلی خوبن سهیل، به‌خدا، وقتی نیستن می‌فهمی، باور کن، به جان آقام، دفتر نقاشی مامان جدید تو پاره نکنی بابا. گفتنرا می‌حالتو می‌پرسن. دوست داشتی، وقت داشتی بیا سر بزین بهوشن. گریه نکنی سهیل بابا، نه، گریه مال مرده، فقط سر تو بگیر بالا گریه کن... خوب کاری کردی بابا، مامان تازه پیدا کردی بر خودت.

آخر مصور



تسلیمات هسته‌ای: اثر: ژانر: بگور پوچولی